خبر و نظر: GTL و طرح هایی برای قطر

هنگامی که قطر اعلام می‏کند که این کشور قصد دارد تولید فرآورده‏های نفتی حاصل از فرآیند تبدیل گاز به فرآورده‏های میان‏ تقطیر مایع( LTG )را طی دهه آینده‏ به 1 میلیون بشکه در روز برساند و از سوی دیگر قصد دارد تولید GNL خود را نیز به 60 میلیون تن در سال‏ افزایش دهد این سؤال در اذهان‏ شکل می‏گیرد که چگونه یک کشور 400 هزار نفری که بیش از نیمی از جمعیت آن را افراد غیر بومی تشکیل‏ داده‏اند میتواند چنین برنامه‏هائی‏ را برای خود پیش‏بینی نماید.برای‏ روشن شدن بیشتر مطلب یادآوری‏ می‏نماید که تولید کنونی LTG در جهان 15 هزار بشکه در روز و کل‏ تولید GNL جهان در سال 2003 معادل 125 میلیون تن بوده است.

واضح است که کشور کوچک‏ قطر اصولا نمی‏تواند پتانسیل‏ مدیریتی،مالی و تکنولوژیکی لازم‏ جهت چنین توسعه عظیمی را داشته‏ باشد.

با کمی بررسی نام شرکت‏های‏ غربی،عمدتا«امریکایی و پشتیبانی‏ سیاسی-اقتصادی کامل امریکا از قطر را می‏بینیم و در واقع این امریکا و شرکت‏های غربی هستند که این‏ برنامه‏ها را تنظیم و اجرا می‏نمایند.

بررسی اخیری که از سوی‏ وزارت انرژی امریکا در مورد توسعه طرح‏های LTG در جهان‏ صورت گرفته دو نکته مهم‏ برای اقتصدی بودن و عملی شدن‏ طرح‏های LTG را در خود جای‏ داده است.این دو نکته عبارتند از قیمت پائین گاز خوراک و دوم نقش‏ اقتصاد مقیاس در کاهش هزینه‏های‏ تولید LTG .

بررسی صورت گرفته در مورد قیمت تمام شده گاز تولیدی‏ در جهان نشان می‏دهد که تنها کشورهای معدودی می‏توانند گاز را با قیمتی پائین به تأسیسات LTG عرضه کنند که قطر از مهمترین‏ آنهاست.

یادآور می‏شود در اکثر حوزه‏های تولیدی گاز جهان از جمله روسیه که از نظر ذخایر گاز مقام اول را داشته و بزرگترین تولید کننده گاز جهان است،هزینه تولید، بالای 1 دلار در هر میلیون UTB است‏ در حالی که برای اقتصادی شدن‏ تولید LTG قیمت گاز باید پائین‏تر از 50 سنت باشد.

بنابراین قطر با توجه به حجم‏ بالای ذخایر گاز و عدم وجود بازار داخلی و توانائی تحویل گاز با قیمتی پایین به تأسیسات با مقیاس‏ بسیار بزرگ LTG ،از کشورهای‏ اصلی دارای پتانسیل توسعه‏ تأسیسات LTG در جهان است.

برنامه‏های آژانس بین المللی‏ انرژی( AEI و استراتژییست‏هی‏ غرب بر این پایه قرار گرفته است که‏ LTG را باید از اعضای اصلی اوپک‏ بویژه کشورهایی نظیر عربستان و ایران جدا نمود زیرا LTG باید در آینده به عنوان رقیبی برای نفت خام‏ اوپک مطرح گردد.

در این میان قطر که اکنون‏ پایگاه اصلی نظامی-امنیتی امریکا در منطقه بوده و کاملا تحت نفوذ امریکاست می‏تواند جایگاه امنی‏ برای غرب جهت توسعه LTG باشد و بنابراین اراده سیاسی بسیار قوی‏ برای تمرکز طرح‏های LTG در این‏ کشور وجود دارد.

برخی تحلیلگران انتقال طرح‏ LTG شرکت llehS به قطر را در همین چارچوب ارزیابی می‏کنند. تجربه نشان می‏هد که حتی‏ شرکت‏های بزرگی نظیر llehS گرچه عموما تصمیمات تجاری‏ می‏گیرند اما نمی‏توانند در مورد تصمیمات سیاسی و استراتژیک‏ غرب بی‏تفاوت باشند،در عین حال‏ که در بده بستان‏های خود به آن نیاز دارند.

در صورتی که قطر بتواند به‏ تولید 1 میلیون بشکه در روز LTG دست یابد بر بازار فرآورده‏های‏ نفتی میان تقطیر و کل تجارت نفت‏ تأثیر خواهد گذارد.تأثیری که گر چه از نظر حجم شاید زیاد پر اهمیت‏ به نظر نرسد اما به گفته صاحبنظران‏ بازار نفت«آخرین بشکه همواره‏ تعیین‏کننده‏ترین است»

قیمت‏های نفت و ظرفیت‏های بالا دستی و پایین دستی

هر چند افزایش عرضه اوپک‏ در اوایل ماه ژوئن توانست کاهش‏ قیمت‏های نفت خام به میزان 5 دلار در بشکه(برای نفت خام وست‏ تگزاس اینترمدیت( ITW )را موجب‏ شود،اما این وضعیت کاملا موقت‏ بود و قیمت این نفت خام مجددا به‏ بیش از 40 دلار در بشکه بازگشت‏ کرد.

گرچه از پایان ژانویه سال جاری‏ میلادی تا کنون ذخیره‏سازی‏های‏ تجاری نفت خام در امریکا به میزان‏ تقریبی 40 میلیون بشکه افزایش‏ یافته است؛اما در بخش پائین دستی‏ نفت سود پالایشگاهی نیز در این‏ کشور،در همین مدت تقریبا 80/3 دلار در بشکه افزایش داشته است. این وضعیت کاملا غیر عادی است و از وجود تنگنا در بخش پایین دستی‏ حکایت می‏کند.